

خروج باب ۸

https://d1b84921e69nmq.cloudfront.net/84/32k/EXO/8-f5ab193cc9cb770f12f3c2f0463b6982.mp3?version_id=181.mp3

دومین بلا: قورباغه‌ها

۱ خداوند به موسی فرمود: «نزد فرعون برو و به او بگو که خداوند چنین می‌فرماید: 'قوم مرا آزاد کن تا بروند و مرا پرستش کنند. ۲ اگر آنها را آزاد نکنی، من تمام سرزمین تو را پُر از قورباغه می‌کنم. ۳ قورباغه‌ها آن قدر در رود نیل زیاد خواهند شد که به طرف کاخ تو خواهند آمد و به خوابگاه و رختخواب تو خواهند رفت. همچنین به خانهٔ درباریان و سایر مردم و حتی به تنورها و تغارهای خمیر خواهند رفت. ۴ قورباغه‌ها بر روی تو و بر روی تمامی مردمان و درباریانت جست و خیز خواهند کرد.» ۵ خداوند به موسی فرمود: «به هارون بگو دست و عصای خود را به سوی رودها و نهرها و استخرها بلند کند تا قورباغه‌ها بیرون بیایند و تمام سرزمین مصر را پُر کنند.» ۶ هارون عصای خود را به طرف آبهای مصر بلند کرد و قورباغه‌ها بیرون آمدند و تمام سرزمین مصر را پُر کردند. ۷ جادوگران مصر هم با جادو همین کار را کردند و زمین مصر را پُر از قورباغه کردند.

۸ فرعون، موسی و هارون را به حضور طلبید و به آنها گفت: «نزد خداوند دعا کنید تا این قورباغه‌ها را از من و از مردم سرزمین من دور کند و من قوم شما را آزاد می‌کنم و ایشان می‌توانند برای خداوند قربانی کنند.»

۹ موسی گفت: «خیلی خوب، تو فقط زمان آزادی را معین کن تا من برای تو و درباریان تو و همهٔ مردمانت دعا کنم که قورباغه‌ها از تو و از خانهٔ تو دور شوند و فقط در رود نیل بمانند.» ۱۰ فرعون گفت: «فردا برایم دعا کن.»

موسی گفت: «همان طوری که خواستی خواهم کرد. آنگاه خواهی دانست که خدای دیگری مثل خداوند خدای ما نیست. ۱۱ تو و درباریانت و همهٔ مردمانت از شر قورباغه‌ها خلاص خواهید شد و قورباغه‌ها غیراز رود نیل در هیچ کجای دیگر دیده نخواهند شد.» ۱۲ آنگاه موسی و هارون از نزد فرعون بیرون رفتند و موسی به خاطر قورباغه‌هایی که بر فرعون فرستاده شده بودند نزد خداوند دعا کرد. ۱۳ خداوند دعای موسی را مستجاب کرد و تمام قورباغه‌هایی که در خانه‌ها و حیاطها و مزارع بودند مردند. ۱۴ مصری‌ها قورباغه‌ها را دسته‌دسته جمع می‌کردند چون زمین متعفن شده بود. ۱۵ اما وقتی فرعون دید که قورباغه‌ها مرده‌اند، بار دیگر سنگدل شد و همان‌طور که خداوند فرموده بود به سخنان موسی و هارون گوش نداد.

سومین بلا: پشه‌ها

۱۶ خداوند به موسی فرمود: «به هارون بگو با عصای خود زمین را بزند و در تمام سرزمین مصر گرد و غبار به پشه‌ها تبدیل خواهد شد.» ۱۷ پس هارون با عصای خود زمین را زد و تمام گرد و غبار مصر به

پشه تبدیل گردید، به طوری که روی تمام مردم و حیوانات را پوشانیدند. ۱۸ جادوگران هم کوشش کردند با جادو، پشه به وجود بیاورند اما نتوانستند. همه جا از پشه پر شده بود. ۱۹ جادوگران به فرعون گفتند که این کار از قدرت خداست. اما فرعون سنگدل شد و همان طور که خداوند فرموده بود به سخنان موسی و هارون گوش نداد.

چهارمین بلا: مگسها

۲۰ خداوند به موسی فرمود: «فردا صبح زود بلند شو و وقتی که فرعون به کنار رودخانه می آید به دیدن او برو و به او بگو که خداوند می فرماید: 'قوم مرا رها کن تا مرا پرستش کنند. ۲۱ به تو هشدار می دهم اگر چنین نکنی، مگسهای بی شماری بر تو، درباریان و تمام مردمانت خواهم فرستاد و خانه مصریان و سرزمین آنها پر از مگس خواهد شد. ۲۲ ولی سرزمین جوشن را که قوم من در آن زندگی می کنند، از بقیه مصر جدا می کنم تا مگسی در آنجا دیده نشود تا بدانی که من، در این سرزمین خداوند هستم ۲۳ و میان قوم خود و قوم تو فرق می گذارم و تو فردا این نشانه را خواهی دید.'» ۲۴ خداوند گروه بی شماری از مگسها را به کاخ فرعون و خانه درباریان و تمام مردمانش و به سراسر مصر فرستاد، به طوری که مگسها زمین را ویران می کردند.

۲۵ پس فرعون، موسی و هارون را به حضور طلبید و گفت: «بروید و در همین سرزمین برای خدای خود قربانی کنید.»

۲۶ موسی گفت: «این کار درستی نیست. زیرا آنچه را که ما برای خدای خود قربانی می کنیم در نظر مصری ها ناپسند است و اگر آنچه را که آنها بد می دانند ما همان را در مقابل آنها انجام دهیم، آیا آنها ما را سنگسار خواهند کرد؟ ۲۷ ما باید سه روز در بیابان سفر کنیم تا همان طور که خداوند به ما دستور می دهد، برای او قربانی کنیم.»

۲۸ فرعون گفت: «به شما اجازه می دهم که به بیابان بروید و برای خدای خود قربانی کنید، به شرطی که زیاد دور نشوید و برای من هم دعا کنید.»

۲۹ موسی گفت: «هم اکنون که بیرون می روم، نزد خداوند دعا می کنم که فردا مگسها را از شما، از درباریان و از تمام مردمانت دور نماید. ولی تو دوباره ما را فریب ندهی و مانع رفتن و انجام دادن مراسم قربانی نشوی.»

۳۰ موسی از نزد فرعون بیرون رفت و نزد خداوند دعا کرد. ۳۱ خداوند همان طوری که موسی خواسته بود، مگسها را از فرعون و از درباریان و تمام مردمان مصر دور کرد به طوری که یک مگس هم باقی نماند. ۳۲ اما فرعون باز هم سنگدل شد و قوم را آزاد نکرد.